



نقش جهت گیری مذهبی، سلامت روان و جو عاطفی خانواده در شخصیت فکری منعطف

موسی جاودان

عضو هیأت علمی دانشگاه هرمزگان

Javdan4920@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش بررسی و مطالعه نقش جهت گیری مذهبی، سلامت روان و جو عاطفی خانواده در شکل گیری شخصیت فکری منعطف دانش آموزان دوره متوسطه اول شهر بندرعباس بود. گروه نمونه شامل ۳۷۷ دانش آموز دوره اول متوسطه (۱۷۹ پسر و ۱۹۸ دختر) با گروه سنی ۱۲ تا ۱۶ ساله شهر بندرعباس بودند که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ به روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس جهت گیری مذهبی آلپورت و راس (۱۹۶۷)، پرسشنامه ۲۸ ماده ای سلامت روان گلدبرگ (۱۹۷۲)، مقیاس جو عاطفی خانواده هیل برن (۱۹۶۴) و مقیاس شخصیت فکری محقق ساخته بود. نتایج نشان داد که جهت گیری مذهبی، سلامت روان و جو عاطفی خانواده می توانند به طور مثبت و معنی داری نوع شخصیت فکری دانش آموزان دوره متوسطه را پیش بینی کنند (جهت گیری مذهبی و شخصیت فکری منعطف ($r = 0.17, p \leq 0.01$ و $N = 377$)؛ (جو عاطفی خانواده و شخصیت فکری منعطف ($r = 0.49, p \leq 0.01$ و $N = 377$) و (سلامت روان و شخصیت فکری منعطف ($r = 0.49, p \leq 0.01$ و $N = 377$). به عبارت دیگر، متغیرهای جهت گیری مذهبی، جو عاطفی خانواده و سلامت روان می توانند ۱۶ درصد شخصیت فکری منعطف نوجوانان را تبیین کنند. کلید واژه ها: مذهب، سلامت روان، خانواده، شخصیت و دانش آموزان دوره متوسطه.



مقدمه

بشر از همان نخستین روزهای زندگی به منبع و پایگاه نیرومندی جهت پناه آوردن از سختی های روزمره در وجود خود احساس نیاز می کرده است. انسان ها در روزگار قدیم بر این باور بودند که ایمان به خداوند لایزال موجب خوشبختی دنیوی و اخروی می گردد و انسان دیندار به علت ایمان به خداوند در برابر مصائب و مشکلات پیروز می گردد؛ زیرا نیروی ایمان موجب غلبه انسان بر دردها و رنج ها در زندگی می شود و شخصیتی نیرومند و قوی در مسیر زندگی شکل می دهد. در نتیجه، آگاهی متعالی و معنی بخشی به زندگی باعث پرورش شخصیت متفکر، معنا دار شدن و ارزشمندی آن می گردد. در نتیجه، از طریق ایجاد امیدواری به یاری و خواست خداوند متعال احساس آرامش بر زندگی حاکم می شود.

مذهب و عقاید مذهبی یکی از همراهان اصلی انسان در طول حیات و زندگی در مسیر تاریخ بوده اند. به عنوان مثال، نقش مذهب در شفا بخشی انسان از بیماری ها و کاهش رنج و آلام از قرون بسیار دور متداول بوده است. بنا به عقیده دنت^۱ (۲۰۰۹) زندگی سعادتمندانه در گروه سه عامل می باشد: طرز تفکر و نگرش نسبت به زندگی، نوع دوستی، کمک و یاری رساندن دیگران و ایمان به خداوند یکتا. مذهب یکی از کهن ترین و شناخته ترین عامل اجتماعی است که تا حدود زیادی می تواند نگرش و باورهای انسان را در طول زندگی و از جمله در مواجهه با مشکلات و فشارهای روزمره زندگی تعیین کند. نظریه پردازان اسلامی بر این باورند که اعتقادات دینی و مذهبی به حیات انسان معنا و مفهوم می دهد و ارزش خاصی فراتر از زندگی حیوانی را به حیات انسان می بخشد. دین و مذهب در هر فرهنگ و جامعه ای به شکل خاص خودش شناخته می شود. از سوی دیگر، نگرش ها و اعمال مذهبی تا حدودی فردی به نظر می رسند. به عبارت دیگر، هر فردی با روش و دیدگاه منحصر به فرد خودش با خداوند ارتباط برقرار می کند و برداشت و تفسیر خاصی از ذات باری تعالی دارد که با تفسیر و تعبیر فرد دیگری از خداوند متفاوت می باشد.

داشتن عقاید معنوی به علت افزایش دامنه بینش انسان نسبت به اهداف عالی و متعالی خلقت از یک طرف و از طرف دیگر به علت بالابردن آستانه تحمل و سعه صدر انسان در برابر مشکلات و سختی های زندگی، می تواند عامل مناسبی برای مقابله با تنش ها و فشارهای روحی و روانی محسوب شود (فیشر^۲، ۲۰۱۱). بنا بر این، توجه به معنویت به علت اعتقاد انسان به منبع برتر وجودی و عشق به خداوند، می تواند علاوه بر افزایش امید، شادابی و نشاط، به انعطاف پذیری انسان در شرایط سخت زندگی کمک می کند.

یکی از مهم ترین پیامدهای پیشرفت فناوری و دنیای الکترونیک اثرگذاری بر سلامت روان افراد است. از آنجا که افراد دارای سلامت روانی، احساس امنیت و آرامش مناسبی دارند، امیدوارانه تلاش می کنند با پرورش مهارت های لازم در هنگام مواجهه با هیجان های ناخوشایند عزت نفس خود را حفظ کنند. کسانی که دارای سلامت روانی مناسبی هستند اغلب در مسیر زندگی به طور منطقی و معقولانه رفتارهای انعطاف پذیری از خود نشان می دهند که این امر موجب می شود شخصیت منعطفی داشته و کمتر در صحنه های زندگی دچار آسیب گردند (گوستاوسون، جانسون، لیندر و وینرب^۳، ۲۰۰۳). همچنین، بنظر می رسد برخی از ابعاد سلامت روان مانند اضطراب و افسردگی موجب شکل گیری شخصیت های منفعل می شود. افراد منفعل به دلیل ترس و محافظه کاری شدید تلاش می کنند که خود را هم رنگ با دیگران نشان دهند تا به احساس امنیت بیشتری در زندگی برسند (جاودان، ۲۰۱۳). پژوهش های دیگری از جمله گرین وی، میلن و کلارک^۴ (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیدند که وضعیت سلامت روانی و جسمانی در شکل گیری ویژگی های شخصیتی و فکری نقش مهمی دارد. به عنوان مثال، برخی از افراد دارای نشانه های اختلال روانی دارای شخصیت

1- Dent

2- Fisher

3- Gustavsson, Jonsson, Linder, & Weinryb

4- Greenway, Milne, & Clarke



مستبد هستند و بر این باورند که تنها باور و نگرش آنان واقعیت دارد. این گروه از افراد هرگز به اصلاح و تغییر رفتار خود فکر نمی کنند زیرا بر باورند که رفتار آنان کاملاً درست بوده و نیازی به بهبود آن نمی بینند. شخصیت و خلق و خوی انسان تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی می باشد. در صورت قرار گرفتن کودک و نوجوان در فضای غنی و آرام، شخصیتی قوی و توانمند خواهد داشت. تربیت، آموزش و یادگیری مهم ترین عوامل تأثیر گذار محیطی بر شخصیت خلق و خوی افرادند. بنابراین، والدین و فضای خانوادگی از مهم ترین عوامل تأثیر گذار در شخصیت و خلق و خوی فرزندان به شمار می روند. علاوه بر این، آموزش، تربیت و پرورش کودکان و نوجوانان در یک محیط و بافت آرام موجب رشد آنان در زمینه های اخلاقی، شناختی، عاطفی، روانی و اجتماعی بهتر را فراهم می کند و آنان را در پذیرش مهارت های زندگی، اجتماعی و عاطفی توانمندتر می کند. لوتنز^۵ (۲۰۱۰) بر این باور است که مهم ترین عامل در شکل گیری خلق و خوی نوجوان رابطه عاطفی والد-فرزند است و جو عاطفی خانواده رابطه مستقیمی با روحیه و شخصیت فرزندان دارد؛ یعنی خانواده هایی که دچار مشکلات عاطفی و هیجانی هستند، عموماً فرزندان پرورش خواهند داد که رفتاری پرخاشگرانه داشته و زود رنج و کج خلق خواهند بود.

خانواده اصلی ترین و مهم ترین منبع مؤثر در شکل گیری ادراک و نگرش های فرزندان نسبت به خود و جهان پیرامون است. اولین تماس ها و ارتباط کودک با والدین خویش است و این ارتباط زمینه ساز اصلی شکل گیری تصویر کودک از خود می باشد. به عبارتی، این تعامل موجب پیدایش خلق و خوی خاص و منحصر به فردی در او خواهد شد. والدینی که از طریق تهدید و یا تنبیه احساسات فرزندان خود را سرکوب می کنند، موجب شکل گیری رفتارهای پرخاشگرانه را در او فراهم می کنند و رفتار باعث شخصیتی پرخاشگر و انعطاف ناپذیر خواهد شد. روابط خوب بین والدین و فرزندان، یک پایگاه امن عاطفی برای نوجوانان فراهم می آورد که این باعث احساس کارآمدی مثبت و توانایی ادراک دیگران و خویشتن را در نوجوان به دنبال دارد. استیگر^۶ (۲۰۰۸)، در پژوهشی مربوط به ارتباط نوع دلبستگی فرزندان و شیوه های فرزند پروری والدین با مشکلات و اختلالات خلقی و رفتاری نوجوانان دریافته اند که والدین آنان را طرد کرده و نسبت به آنان بی توجه اند و در هنگام موفقیت و شکست فرزندان با آنان تعاملی ندارند، این دسته از فرزندان عقده های حقارت و خصومت در آنان رشد کرده، در نتیجه این امر، این دسته از نوجوانان احساس بی ارزشی، خشم و خصومت در آنان ایجاد می شود که پیامدی چنین رفتاری ایجاد و احساس بدبینی نسبت به دیگران می شود.

یکی از وظایف اساسی والدین، کمک به نوجوانان در حل و درک دوره های بحرانی زندگی یعنی دوره نوجوانی می باشد. در این دوره نوجوان ممکن است در برابر نظریات والدین سرکش و طغیانگری نماید و عدم برخورد صحیح و رفتار پرخاشگرانه، ممکن است زندگی آنان را به آشوب و نگرانی بکشاند. جنبه های مختلف رشد روانی اجتماعی که تأثیر به سزایی در رفتار و شخصیت نوجوانان دارد، فرایندی است که طی دوره ای نسبتاً طولانی مدت و آن هم در خانواده شکل می گیرد و اساس این شکل گیری را تعامل و نوع رابطه والد-فرزند و جو عاطفی خانواده تعیین می کند. ارزش ها، رفتارها و باز خوردهایی که والدین نسبت به فرزندان خود دارند، اساس بینش و نگرش آن ها را رقم می زند.

تجارب دوران اولیه کودکی می تواند تأثیر عمیق و پایداری در طول زندگی به همراه داشته باشد. کودکی که در خانواده ای رشد می کند که والدین عموماً با یک دیگر مشاجره و مناقشه دارند، فرزندان حاصل از این رفتار نیز رفتاری مشابه والدین خود خواهند داشت و پا جای پای والدین خود خواهند گذاشت. دوران کودکی فرصت طلایی برای شکل گیری لایه های تفکر و رفتارهای آینده را شکل می دهد. اگر در این دوره پرورشکاران ماهر در زمینه غنی نمودن رفتار و کنترل هیجانها به کودکان آموزش دهند، در آینده شاهد رفتارهای مناسب و شایسته بدون پرخاشگری را شاهد خواهیم بود. یکی از اساسی ترین کار کرد های خانواده، شکوفایی شخصیت فرزندان و بهبود مهارت

^۵- Lootens

^۶- Steiger



های زندگی و اجتماعی او می باشد. لذا، مشاهده رفتار والدین بسیاری از اوقات الگوی خوبی برای رفتار فرزندان محسوب می شود.

گانتی و بوری^۷ (۲۰۰۸) در پژوهش های خود مبتنی بر تأثیر عملکرد والدین در رشد ساختارهای ذهنی و شناختی فرزندان پی بردند که عملکرد والدین بر شکل گیری افکار، هیجانات، شناخت و رفتار فرزندان تأثیر پایداری داشته و رفتار والدین می تواند به عنوان یک ساختار مرجعی در تأثیر و ارزیابی فرزندان نسبت به جهان بیرونی و خویشتن قلمداد شود. هم چنین رایت، کرافورد و دل کاستیلو^۸ (۲۰۰۹) در پژوهش دیگری مربوط به شکل گیری عواطف دوران کودکی و ساختارهای ذهنی نا سازگارانه در طول زندگی پی بردند که جو عاطفی خانواده و رفتار والدین با فرزندان از عوامل مهم در نوع تفکر فرزندان، نگرش آنان نسبت به هستی، رشد سطوح ذهنی و نگاه آنان را در طول زندگی نسبت به حوادث و رویدادهای زندگی شکل می دهد. به عنوان مثال والدین پاسخگو و صمیمی موجب نگاه کنجکاوانه کودک به امور زندگی، و والدین طرد کننده و بی توجه موجب نگرانی، افسردگی و اضطراب او را در مواجهه با رویداد های زندگی باعث می شوند. بنا بر این، رفتارهای پر خاشگرانه فرزندان ریشه در مشکلات تربیتی والدین دارد. لذا، خانواده مهد تمدن اصلی رفتار و خلق و خوی فرزندان می باشد. والدین متعهد و مطلع به تربیت و پرورش فرزندان آگاه و با روابط و درک اجتماعی قوی تربیت خواهند کرد و والدین ناآگاه موجب بروز و اشاعه رفتارهای مخرب و تحویل شخصیت جامعه ستیزی به جامعه خواهند شد.

به طور کلی، می توان گفت که شخصیت به عنوان الگویی معین از شیوه های تفکر و رفتار هر فردی است که اصل عوامل درونی مانند خلقو خو و وامل محیطی مانند خانواده و عوامل دیگری مانند وضعیت سلامت روانی و جسمانی می باشد و دربرگیرنده ویژگی هایی است که معرف رفتار انسان در مسیر زندگی می باشد. مهربانی، احساس مسئولیت، ذهن باز و متفکر داشتن و طبیعت خلاق از صفات شخصیتی هستند که حاصل تعامل محیط بیرونی و درونی می باشند. از آن جایی که یکی از مهمترین سرمایه های انسانی هر جامعه ای، دانش آموزان هستند شناسایی عوامل مؤثر بر شخصیت و فکر آنان می تواند موجب پرورش و تربیت صحیح نسل نوجوان آن جامعه را فراهم کند. مطالعه و پژوهش در مورد سلامت روان و شخصیت فکری، ضرورت پژوهش های علوم انسانی را نشان می دهد. هدف تحقیق حاضر یافتن نقش جهت گیری مذهبی، سلامت روان و جو عاطفی خانواده در شخصیت فکری دانش آموزان دوره متوسطه در مدارس شهر بندرعباس می باشد.

مواد و روش ها

پژوهش حاضر بر اساس رویکرد کمی و با استفاده از روش پیمایشی می باشد و برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری آن دانش آموزان دوره متوسطه اول با گروه سنی ۱۲ تا ۱۶ ساله شهر بندرعباس می باشند. حجم نمونه ۳۷۷ نفر (۱۷۹ پسر و ۱۹۸ دختر) از این دانش آموزان بوده است که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ در یکی از مدارس متوسطه این شهر مشغول به تحصیل بوده اند و به روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی چند مرحله ای استفاده انتخاب شده اند و از پرسشنامه های زیر جهت جمع آوری اطلاعات استفاده شده است.

۱- مقیاس جهت گیری مذهبی: در این پژوهش، برای سنجش جهت گیری مذهبی، از مقیاس جهت گیری مذهبی آلپورت و راس^۹ (۱۹۶۷) استفاده شد که دارای ۲۰ ماده می باشد (۱۱ ماده مربوط به جهت گیری درونی و ۹ ماده مربوط به جهت گیری بیرونی) می باشد. این آزمون بر اساس مقیاس ۵ درجه ای از ۱ تا ۵ (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) نمره گذاری می شود. حداقل نمره در خرده مقیاس جهت گیری درونی ۱۱ و حد اکثر ۵۵ می باشد. همچنین،

⁷ - Gunti, & Buri

⁸- Wright, Crawford, & Del Castillo

¹- Ross



در خرده مقیاس جهت گیری بیرونی حد اقل نمره ۹ و حد اکثر ۴۵ می باشد. نمره بالاتر در هر خرده مقیاس نشانه تمایل بیشتر فرد به آن جهت می باشد.

پایایی مقیاس توسط سازندگان گزارش شده است. میزان پایایی درونی برای خرده مقیاس جهت گیری درونی ۰/۷۳ و برای خرده مقیاس جهت گیری بیرونی ۰/۶۶ گزارش شده است (شرمن، ۲۰۰۰). همچنین، حسینی، مزیدی و حسین چاری (۱۳۸۹) پایایی این پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۶۶ و برای خرده مقیاس جهت گیری درونی ۰/۷۸ و برای خرده مقیاس بیرونی ۰/۶۴ گزارش کرده اند. در پژوهش حاضر، برای بررسی پایایی این پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ و همسانی درونی استفاده خواهد شد.

روایی این پرسشنامه توسط سازندگان آن مطلوب گزارش شده است که تحقیقات مختلفی آن را نیز تأیید کرده اند (شرمن، ۲۰۰۰). حسینی و همکاران (۱۳۸۹) روایی این پرسشنامه را از طریق تحلیل عاملی انجام دادند که مقدار شاخص کفایت نمونه گیری ۰/۷۷ به دست آمد که در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار بود. در پژوهش حاضر، برای بررسی روایی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده خواهد شد.

۲- پرسشنامه سلامت روان (GHQ): این پرسشنامه در سال ۱۹۷۲ توسط گلدبرگ تهیه شد که دارای ۲۸ ماده و ۴ خرده مقیاس می باشد که هر یک از آن‌ها مشتمل بر ۷ پرسش است. این پرسشنامه یک پرسشنامه خود گزارشی است که در مجموع با هدف غربالگری کسانی که دارای یک اختلال روانی هستند، مورد استفاده قرار می گیرد ولی فرم ۲۸ سوالی این پرسشنامه برای تمامی افراد قابل اجراست و به عنوان یک ابزار سرنندی می تواند احتمال وجود یک اختلال روانی را در فرد تعیین کند. نمره‌ها به دست آمده از این پرسشنامه، در ۵ گروه قرار می گیرند که ۴ نمره آن مربوط به خرده مقیاس‌ها و یک نمره هم از مجموع نمرات خرده مقیاس‌ها به دست می آید، که نمره کلی می باشد. پرسشنامه سلامت روان دارای چهار زیرمقیاس است که عبارتند از: نشانه‌های بدنی، اضطراب و بد خوابی، اختلال در عملکرد اجتماعی و افسردگی. این پرسشنامه چهار گزینه‌ای است و طیف پاسخ‌ها از «به هیچ وجه» تا «بسیار زیاد» تنظیم گردیده است، که به ترتیب، ۱، ۲، ۳ نمره برای هر گزینه تعلق می گیرد. نمره بالاتر هم در زیرمقیاس‌ها و هم در مقیاس کلی نشان ضعف در سلامت روانی فرد می باشد. بر اساس هدف تحقیق در این پژوهش تنها از نمره کلی پرسشنامه استفاده می شود. گلد برگ و ویلیامز (۱۹۸۸) اعتبار تنصیفی برای این پرسشنامه را ۰/۹۵ گزارش کرده اند. پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ توسط جان (۱۹۸۵)، ۰/۹۳ گزارش شده است. یعقوبی (۱۳۷۴)، ضریب اعتبار کلی این آزمون را ۰/۸۸ و ضریب اعتبار خرده آزمون‌ها را بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۱ گزارش کرده اند. در این پژوهش به منظور مطالعه ساختار عاملی GHQ از روش‌های تحلیل عاملی تأییدی و برای بررسی پایایی آن از روش آلفای کرونباخ استفاده خواهد شد.

۳- مقیاس جو عاطفی خانواده: این پرسشنامه را هیل برن^{۱۰} در سال ۱۹۶۴ به منظور سنجش میزان روابط عاطفی والد-فرزند طراحی و تدوین کرد. و دارای ۱۶ ماده پنج گزینه‌ای (خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴ و خیلی زیاد = ۵) می باشد که متغیرهایی مانند محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد و احساس امنیت را می سنجد. هر آزمودنی نمره ای بین ۱۶ تا ۸۰ کسب می کند. کسب نمره بالا نشانه جو عاطفی مناسب و نمره پایین نشانه جو عاطفی نامطلوب می باشد. رحمانی و محب (۱۳۹۰) ضریب پایایی آزمون جو عاطفی خانواده را از طریق آلفای کرونباخ و بازآزمایی ۰/۸۳ محاسبه کرد. در پژوهش حاضر، برای تعیین میزان پایایی این سیاهه از روش‌های آلفای کرونباخ استفاده شد و ۰/۸۹ به دست آمد. برای تعیین روایی محتوایی، این پرسشنامه از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که همه ماده‌ها بار عاملی مناسب روی کل پرسشنامه داشتند و این نشانگر روایی مناسب این ابزار می باشد. در این پژوهش با توجه به هدف تحقیق تنها از نمره کل پرسشنامه استفاده شده است.

¹⁰ -Hillburn



۴-مقیاس شخصیت فکری: این مقیاس جهت سنجش شخصیت فکری توسط پژوهشگر طراحی و تدوین شده است. این ابزار یک مقیاس خود-گزارشی مداد-کاغذی است که ۴۰ ماده دارد و روی یک طیف چهار درجه ای از نوع لیکرت از ۰ تا ۴ (۰ = هرگز، ۱ = بندرت، ۲ = برخی اوقات، ۳ = اغلب و ۴ = همیشه) نمره گذاری می شود. در این مقیاس یک نمره کلی به دست نمی آید، بلکه ۴ نمره دارد که هر کدام مربوط به یک نوع شخصیت فکری است. این ابزار دارای ۴ خرده مقیاس (عامل) است که بنا به هدف تحقیق تنها از شخصیت فکری منعطف در این جا استفاده شده است. ماده-های مربوط به این خرده مقیاس عبارتند از: ماده های ۵، ۹، ۱۱، ۲۶، ۲۵، ۲۰، ۱۶، ۳۰، ۳۵ و ۳۶ پرسشنامه. پایایی کل پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ و برای شخصیت فکری منعطف ۰/۷۹ توسط سازنده آن گزارش شده است. تعیین روایی این ابزار توسط سازنده آن، با استفاده از روش روایی سازه انجام گرفت که از عوامل زیر بنایی شخصیت فکری حمایت نموده است و انعکاس دهنده شخصیت فکری است.

نتایج و بحث

در جدول ۱ شاخص های توصیفی از جمله میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره برای متغیرهای پژوهش بیان شده است.

جدول ۱. یافته های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش (میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
جهت گیری مذهبی	۱۵/۰۷	۵/۷۸	۶/۴۲	۱۹/۳۱
جو عاطفی خانواده	۲۵/۴۹	۳/۴۳	۷/۶۵	۳۷/۱۸
سلامت روان	۴۳/۱۱	۴/۱۹	۹/۷۶	۷۶/۲۹
شخصیت فکری منعطف	۳۱/۸	۵/۳	۱۴/۱۳	۳۶/۶

در جدول ۲ ارتباط متغیرهای پژوهش و میزان همبستگی آن ها با یکدیگر ذکر شده است.

جدول ۲. ضریب همبستگی بین جهت گیری مذهبی، جو عاطفی خانواده، سلامت روان و شخصیت فکری در دانش آموزان پسر و دختر دوره اول متوسطه.

متغیرها	جهت گیری مذهبی	جو عاطفی خانواده	سلامت روان	شخصیت فکری منعطف
جهت گیری مذهبی	۱	۰/۱۳*	۰/۰۴	۰/۱۷**
جو عاطفی خانواده	۰/۱۳*	۱	۰/۳۷**	۰/۴۹**
سلامت روان	۰/۰۴	۰/۳۷**	۱	۰/۲۷**
شخصیت فکری منعطف	۰/۱۷**	۰/۴۹**	۰/۲۷**	۱

$N = 377$ و $p \leq 0.05$ * $p \leq 0.01$ **

جدول ۲ همبستگی بین متغیرهای جهت گیری مذهبی، سلامت روان، جو عاطفی خانواده و شخصیت فکری منعطف را در دانش آموزان پسر و دختر دوره اول متوسطه نشان می دهد. همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود، بین جهت گیری مذهبی، سلامت روان، جو عاطفی خانواده و شخصیت فکری منعطف در نوجوانان رابطه معنی داری وجود دارد (جهت گیری مذهبی و شخصیت فکری منعطف ($r = 0.17, p \leq 0.01$)؛ (جو عاطفی خانواده و شخصیت فکری منعطف ($r = 0.49, p \leq 0.01$) و (سلامت روان و شخصیت فکری منعطف ($r = 0.27, p \leq 0.01$)).



دیگر در در شکل گیری شخصیت فکری منقطع نوجوانان دارد. $r = 0/27$ و $N = 377$). آنچه در جدول فوق مشاهده می شود جو عاطفی خانواده رابطه قوی تری نسبت به عوامل

جدول ۳. نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیشبینی شخصیت فکری منقطع از طریق نمره کلی جهت گیری مذهبی، جو عاطفی خانواده و سلامت روان

متغیرهای پیشبین	متغیر ملاک	F	p	R	R2	β	t	P ≤	شاخصهای هم خطی چندگانه	
									شاخص تحمل	عامل تورم واریانس
جو عاطفی خانواده سلامت روان جهت گیری مذهبی	شخصیت فکری منقطع	۲۳/۸۱	۰/۰۰۱	۰/۴۰۱	۰/۱۶۱	۰/۴۴۶	۴/۴۷۵	۰۰۰/۰	۰/۸۷۶	۱/۱۴۱
									۰/۹۰۹	۱/۱۰۰
									۰/۹۵۹	۱/۰۴۲

برای بررسی امکان پیش بینی شخصیت فکری منقطع از طریق جهت گیری مذهبی، جو عاطفی خانواده و سلامت روان از روش رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان استفاده شده است که نتایج آن ها در جداول ۳ آمده است. همچنین، از پیش فرض های رگرسیون در این تحلیل ها استفاده شده است. جهت تعیین و بررسی هم خطی چندگانه از شاخص های ضریب تحمل و عامل تورم واریانس استفاده شد. که نتیجه آن در جدول ۳ آورده شده است و نشانگر عدم معنی داری آزمون و نرمال بودن توزیع می باشد. علاوه بر این، یافته های موجود نشان می دهد که بین متغیرهای پیش بین، هم خطی وجود ندارد و نتایج حاصل از این مدل قابل اعتماد می باشد ($F = 23/81$ ، $N = 377$ ، $p \leq 0/01$). به عبارت دیگر، متغیرهای جهت گیری مذهبی، جو عاطفی خانواده و سلامت روان می توانند ۱۶ درصد شخصیت فکری منقطع نوجوانان را تبیین کنند. همچنین، یافته های جدول نشانه این است که جو عاطفی خانواده ($\beta = 0/45$)، سلامت روان ($\beta = 0/32$) و جهت گیری مذهبی ($\beta = 0/27$) می توانند شخصیت فکری منقطع نوجوانان را به طور مثبت و معنی داری پیش بینی کنند.

نتیجه گیری

فضای حاکم بر محیط خانواده از عوامل مؤثر بر پرورش روابط بین فردی و برخورد با دیگران محسوب می شود. به عنوان مثال اجازه ی مخالفت منطقی با نظرات والدین باعث رشد و پرورش تفکر انتقادی و احساس افزایش قدرت استدلال و منطق، توانایی تسلط بر افکار و رفتار می شود (اکو لینیو و ساپل^{۱۱}، ۲۰۰۱). والدین صمیمی که به فرزندان خود آزادی لازم می دهند و به استدلال شخصیت فکری آنان کمک می کنند، موجب بسط و گسترش رشد و پرورش فکری آنان شده و فرزندان خود را در یافتن شیوه صحیح زندگی یاری کرده و رعایت حقوق دیگران را به آن ها آموزش می دهند.

یافته های این بخش از پژوهش نشان داد جو عاطفی خانواده در شکل گیری شخصیت فکری فرزندان اثر دارد. به عبارت دیگر، والدین گرم و صمیمی عواطف مثبت و احترام به دیگران را به فرزندان خود یاد می دهند و رفتار مهربانه و انعطاف پذیری با آنان دارند که این امر موجب می شود، آنان نسبت به زندگی نگاهی مثبت و امیدوارانه داشته باشند. بر اساس یافته های موجود در جدول ۲ بین جو عاطفی خانواده و شخصیت فکری منقطع رابطه مثبت و معنی داری

¹¹- Aquilino, & Supple



وجود دارد (۲ = ۰/۴۹). جو عاطفی خانواده می تواند تأثیر بالایی در احساس ارزشمندی، اعتماد به نفس و انعطاف پذیری و شکل گیری ویژگی های شخصیتی آنان داشته باشند. به عنوان مثال، والدین مستبد موجب بروز بدبینی و خشم در فرزندان می شوند. رفتار این دسته از والدین باعث نگاه و احساسی بدبینانه نسبت به حوادث و رویدادهای زندگی می شود (انولا، استاتین و نورمی^{۱۲}، ۲۰۰۰). لذا، جو عاطفی خانواده تأثیر به سزایی در رفتار و نگرش فرزندان در مسیر زندگی دارد. یافته های این بخش از پژوهش با یافته های کوبلینسکی، کوالانکا و رندولف^{۱۳} (۲۰۰۶) مشابهت دارد. آنان در تحقیق خود دریافتند که چگونگی ارتباط والد-فرزند با جو عاطفی خانواده تأثیر زیاد و دیر پای در رشد و شکوفایی شخصیت فرزندان دارد. جو عاطفی خانواده به فرزندان می آموزد که چگونه با تعارض ها کنار بیایند، چگونه بر سر دو راهی تصمیم درست بگیرند، در چه مواردی خواسته های دیگران را اجابت کنند، کی به دیگران نه بگویند و به طور کلی مسیر درست را از نادرست به خوبی بفهمند و درک کنند.

کیز و ریتزس^{۱۴} (۲۰۰۷) در پژوهش خود اعلام کردند که سلامت روان و کاهش احساس پوچی، افسردگی و بی معنایی در زندگی، بستگی به ویژگی های شخصیتی افراد دارد. افراد قوی و انعطاف پذیر بهتر می توانند به حل مسائل زندگی خود در مواجهه با مشکلات بپردازند.

کراس^{۱۵} (۲۰۰۹) در پژوهشی اعلام کرد که اعتقادات مذهبی و ایمان عمیق به عالم علوی باعث کاهش نشانه های نگرانی و افسردگی می گردند و تا حدود زیادی می توانند این دیدگاه باعث انعطاف پذیری شخصیت در مواجهه با مشکلات شود.

به طور کلی، پژوهش حاضر نشان داد که انعطاف پذیری یکی از مهم ترین ویژگی های شخصیتی است که حاصل چند عامل دیگر از جمله اعتقادات مذهبی، وضعیت سلامت روانی و جسمانی و نحوه تعامل والد- فرزند در محیط خانواده است. والدینی که تلاش می کنند تا جو خانواده را به یک محیط دوستانه و حمایت گرانه تبدیل کنند، در حال پرورش و تربیت فرزندان با روحیه منطقی و عقلانی هستند که این امر موجب موفقیت فرزندان را در مسیر زندگی به دنبال دارد. همچنین، اعتقاد عمیق به پروردگار عالم موجب تلاش و امید به زندگی می شود. در نتیجه، فرد با تلاشی امیدوارانه شاهد موفقیت خود در زندگی خواهد بود. علاوه بر این، تسلط بر هیجان های خود، خودآگاهی، رضایتمندی از زندگی، مسئولیت پذیری، توانایی تصمیم گیری، عزت نفس مثبت، هدفمندی در زندگی، عدم احساس گناه شدید، پذیرش خویشتن، احساس خود شکوفایی، باز بودن نسبت به تجربه های جدید و انعطاف پذیری که در حقیقت نشانه و اساس سلامت روان هستند، تا حدود زیادی در ایجاد یک شخصیت سالم و رشد یافته نقش اساسی دارند. بنا بر این، شخصیت منسجم محصول مجموعه این عوامل است که می تواند معیارها و ارزش ها را در زندگی به درستی تشخیص دهد و به درستی مسیر موفقیت را طی کند.

منابع

حسینی، ف.، مزیدی، م. و حسین چاری، م. ۱۳۸۹. پیش بینی سبک های هویت بر اساس جهت گیری های مذهبی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز. اندیشه های نوین دینی. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه الزهراء، دوره ششم، شماره ۱، صفحات ۷۱-۵۳.

رحمانی، پ. و محب، ن. ۱۳۹۰. بررسی شیوه های فرزند پروری و جو عاطفی خانواده کودکان مبتلا به اضطراب فراگیر و کودکان فاقد اضطراب. علوم تربیتی، سال چهارم، شماره ۱۳، صفحات ۶۷-۷۸.

¹²- Aunola, Stattin, & Nurmi,

¹³ - Koblinsky , kuvalanhka, & Randolph

¹⁴ - Keyes, & Reitzes

¹⁵- Krause



- یعقوبی، ن. ۱۳۷۴. بررسی همه‌گیر شناسی اختلالات روانی در مناطق شهری و روستایی صومعه سرای گیلان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، انستیتوروانپزشکی تهران. ص. ۳۹.
- prejudice. Personal religious orientation and M. (1967) W., & Ross, J. Allport, G. Journal of Personality and Social Psychology, 5, 423-443.
- W. S. & Supple, A. J. (2001). Longterm effects of parenting practices Aquilino, adolescence on well-being: Outcomes in young adults. Journal of family Issues, 22, (3), 289-308.
- Aunola, K., Stattin, H., & Nurmi, J. E. (2000). Parenting styles and adolescents' achievement strategies. Journal of Adolescence, 23, 205-222.
- Dent, M. (2009). Real kids in an unreal world: Building resilience and self-esteem in today's children. Murwillumbah, Pennington Publications.
- Fisher, J. W. (2011). The four domains model: Connecting spirituality, health and well-being. Religions, 2(1), 17-28.
- P., & Williams, P. A. (1988). Users guide to the General Health Goldberg, D. Questionnaire. U.K: NFER Nelson.
- Greenway, A. P., Milne, L. C., Clarke, V. (2003), Personality variables, self-esteem and depression and individual's perception of God, Mental Health, Religion and Culture. Bol 6, 1, 45-58.
- Gunti, A. L., & Buri, J. R. (2008). Parental perception, early maladaptive schemas, and depressive symptoms in young adults. Cognitive Therapy and Research 26(3), 405-416.
- HP5 Gustavsson, J. P., Jonsson, G. E., Linder, J. & Weinryb, M. R. (2003). The traits from a inventory: Definition and assessment of five health-relevant personality Differences, 35, 69-89. five factor model perspective. Personality and Individual Javdan, M. (2013a). Types of Intellectual Personality. Academic Journal of Psychological Studies, 2(4), 79-86.
- Keyes, C.L.M, & Reitzes, D.C. (2007). The role of religious identity in the mental health of older working and retired adults. Aging & Mental Health, 11, 434-443.
- Randolph, S. M. (2006) Social skills and Koblinsky, S. A, & kuvalanhka. A & behavior problems of urban, African American preschoolers: Role of parenting practices family conflict, and maternal depression. American Journal of orthopsychiatry, 76, 4, 554-563.
- Krause, N. (2009). Life trauma, prayer and psychological distress in late life. International Journal for the Psychology of Religion, 19(1), 55-72.
- later psychological distress among college students: the mediating role of maladaptive schemas. Child Abuse and Neglect, 33, (1) 59-68.
- personality traits, Lootens, C. M. (2010). An examination of the relationships among perceived parenting styles, and narcissism. Doctoral dissertation, University of North Carolina at Greensboro.
- Sherman, R. M. (2000). Religious orientation and identity formation: A study of adolescent girls. Doctoral Dissertation, Long Island University.
- Steiger, A. R. (2008). Parenting and attachment: An examination mediation and moderation in the predication of adolescent psychopathology. Doctoral dissertation, Simon Fraser University.
- Wright, M., Crawford, E., & Del Castillo, D. (2009). Childhood emotional maltreatment and